

چالش‌های حقوق بشری شبیه‌سازی انسان

امیرحسین رنجباریان*

استادیار گروه حقوق عمومی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

زهرا سیف

کارشناس ارشد حقوق بین‌الملل دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

(تاریخ دریافت: ۱۳۸۷/۳/۱۹ - تاریخ تصویب: ۱۳۸۷/۷/۱۵)

چکیده:

اندکی پس از شبیه‌سازی نخستین حیوان پستاندار در سال ۱۹۹۷، امکان شبیه‌سازی انسان نیز مطرح شد. شبیه‌سازی انسان را از منظر هدف به دو نوع مولد و درمانی با اهداف تولید انسان و به دست آوردن سلول‌های بنیادی جنینی برای امور درمانی تقسیم می‌کنند. فراهم شدن چنین امکانی، امید حل مشکلاتی نظیر ناباروری و مشکل رد پیوند اعضا را به همراه خود آورد؛ اما از آنجا که همه آثار چنین پیشرفت علمی قابل پیش‌بینی نیست و احتمال برخی سوءاستفاده‌ها از آن می‌رود، مسایلی همچون تأثیرات نامطلوب بر خانواده و خدشه‌دار شدن کرامت انسانی را هم در پی داشته است. این گونه مسایل موجب درگرفتن بحث‌های فراوان درباره شبیه‌سازی انسان شد. در حالی که مدافعان شبیه‌سازی انسان به اثر مثبت این پیشرفت بزرگ در زندگی بشر به ویژه در امر باروری و درمان بیماری‌های مختلف استناد می‌کنند، مخالفان آن مسائلی از قبیل نقض کرامت انسان، نقض استقلال و آزادی فرد و درهم‌ریختگی نسبت خانواده‌ها را پیش می‌کشند. مقاله حاضر به بررسی دلایل مخالفان و هواداران شبیه‌سازی انسان به خصوص از دیدگاه حقوق بشر و حقوق بین‌الملل می‌پردازد.

واژگان کلیدی:

شبیه‌سازی انسان - شبیه‌سازی مولد - شبیه‌سازی درمانی - حقوق بین‌الملل - حقوق بشر - کرامت انسانی - رویان - تولید مثل.

حکم آفرینش این است که هیچ چیز نمی‌تواند متوقف شود. بشر محکوم به آن است که پیش برود و برود. ... با این حال، آدمیزاد طی چندین هزار سال، تعادلی در خود ایجاد کرده بود که پای او را بر زمین نگاه می‌داشت. اکنون لرزشی در این تعادل ایجاد شده و رفته رفته علایمی نشان داده می‌شود که پای افزارها خوب ساخته شده‌اند ولی پاها بر زمین محکم نیست. بازیافت این تعادل، معضلی است که در برابر قرن بیست و یکم قرار خواهد داشت. محمد علی اسلامی ندوشن

علم به همان سرعت که درمانمان می‌کند، به کام مرگ هم می‌کشد و به همان سهولت که برایمان می‌سازد، ویرانی می‌آفریند... چه ما پیوسته در پی توسعه وسایل خود بوده‌ایم نه ترقی و بهبود هدف‌ها. ویل دورانت

مقدمه

از جمله مسائلی که از دیرباز جزء دل‌مشغولی‌های اندیشمندان علوم طبیعی بوده و پژوهش‌های پزشکی بسیار را سبب شده مسئله ژنتیک و تولید نسل بشری است. پژوهش‌هایی که بی‌مناسبت با طبع انسان و میل او به جاودانگی به نظر نمی‌آیند. گویی انسان همواره به تولید مثل و ازدیاد نسل خود همچون راهی برای رسیدن به ابدیت می‌اندیشیده است. اما دستیابی به این آرزو یعنی زایش دیگرانی همچون خود، همیشه برای همگان ممکن نبوده است. وجود برخی دشواری‌ها، دانشمندان را بر آن داشت تا با آزمایش شیوه‌های مختلف برای یافتن راه‌های تولید مثل کمکی، به کمک آنهایی بیایند که به صورت طبیعی نتوانسته‌اند صاحب فرزندی شوند. از حق نباید گذشت که تلاش‌های دانشمندان علم ژنتیک در رفع نارسایی‌هایی که منجر به ناتوانی انسان در تولید مثل می‌شود با توفیق‌های تحسین برانگیز قرین بوده است. از میان جدیدترین این شیوه‌ها «شبییه‌سازی» است که پس از تولید یک گوسفند با این شیوه، امکان انجام آن در خصوص انسان مطرح شد. تاریخ نویسان که گاهشمار رویدادهای مهم جهان را از دوره‌های دور تا زمان ما برشمرده‌اند، از تولد «دالی» نخستین گوسفند شبیه‌سازی شده در فوریه ۱۹۹۷ همچون یکی از مهم‌ترین پیشرفت‌های علمی و تمدنی در طول تاریخ یاد می‌کنند (Vallaud, 2005, p. 217). اگر رسیدن به مرحله شبیه‌سازی جانداران چنین با اهمیت باشد، ناگفته پیداست که شبیه‌سازی انسان تا چه حد مهم خواهد بود. زیرا از طریق این فن، انسان‌ها خواهند توانست مشابه ژنتیک خود را تولید نمایند. چنین توانایی حسی دوگانه ایجاد می‌کند. از یک سو احساس سرمستی و شادی از دستیابی به آنچه روزی تخیلی بیش نبود و از سوی دیگر نگرانی درباره اینکه مبدا این عمل دخالت در کار پروردگار باشد و یا نتیجه آن به نقض کرامت انسان بینجامد. به حقیقت، چنین دستاورد بزرگ علمی به خودی خود ارزشمند و مهم است. در واقع، این پیشرفت بسیار مهم به رفع بعضی مشکلات منجر می‌شود؛ چنانکه بعضی متخصصان روابط بین‌الملل آن را چونان یک انقلاب علمی در ردیف

پیشرفت‌های وسایل ارتباطی مانند اینترنت، دارای تأثیر شگرف بر اوضاع جهان و روابط بین‌المللی دوره کنونی می‌دانند (Guilhaudis, 2002, pp. 377-380). ولیکن به نظر می‌آید شبیه‌سازی، چالش‌هایی را هم به لحاظ حقوقی و اخلاقی ایجاد خواهد کرد که در خور توجه و نیازمند راه‌حل است.

توجه اندیشمندان حوزه اخلاق و حقوق به این موضوع، گویای بیم آنها از عاقبت کارهایی است که فن جدید شبیه‌سازی امکان وقوع آنها را فراهم می‌کند. حتی، به محض انتشار اولین خبرها در این باره، مراکز علمی، دینی و حقوقی از دیدگاه‌های مختلف به بررسی پیامدهای ناشی از آن پرداختند و عده‌ای خواستار ممنوعیت یا اعمال محدودیت در به کارگیری این فن نوظهور شدند. چنانکه این واکنش‌ها به تنظیم قواعدی در شماری از کشورها و در نهایت طرح موضوع در سطح بین‌المللی، جهت تعیین محدوده مجاز شبیه‌سازی انجامید.

همان‌طور که گفتیم، این نگرانی‌ها و واکنش‌ها بیشتر از آن بابت است که گفته می‌شود بهره‌گیری شبیه‌سازی نه تنها برای درمان بیماران، بلکه برای تولید یک فرد جدید نیز شدنی است. به دیگر سخن، شبیه‌سازی انسان بر حسب هدف آن به دو نوع تقسیم می‌شود: مولد و درمانی یا تحقیقاتی. در شبیه‌سازی مولد هدف نهایی تولد انسانی است که به لحاظ ژنتیک همانند فردی است که DNA او مورد استفاده قرار گرفته است. حال آنکه در نوع تحقیقاتی یا درمانی، هدف تولید فرد دیگری نیست بلکه مقصود به دست آوردن سلول‌های بنیادی جنینی (Embryonic Stem Cells) و استفاده از آنها در درمان بیماری‌های گوناگون است.^۱ به کوتاهی اشاره کنیم که برای تحقق شبیه‌سازی، هسته یک تخمک نابارور را خارج و سلول پیکری (غیرجنسی) یک جاندار را در آن تخمک فاقد هسته تزریق و آن را جایگزین هسته خارج شده می‌کنند. در این زمان با ایجاد و وارد کردن یک شوک الکتریکی باعث ترکیب سیتوپلاسم تخمک و سلول پیکری جایگزین هسته می‌شوند و حاصل این عمل تولد نوزادی است که به لحاظ ساختمان ژنتیک کاملاً شبیه و همسان فرد دهنده سلول پیکری است و هیچ شباهتی به صاحب تخمک و صاحب رحم ندارد. بنابراین در این شیوه برخلاف تولید مثل جنسی که جاندار جدید با آمیزش ماده ژنتیک یک اسپرم و یک تخمک شکل می‌گیرد، تنها یک والد ژنتیک خواهد داشت. (Pence, 1998, p. 12) به زبان ساده‌تر منظور از شبیه‌سازی این است که موجود زنده را بدون

۱. از میان بیماری‌هایی که از این طریق درمان پذیرند می‌توان به بیماری‌های قلبی، دیابت، پارکینسون و دیگر بیماری‌هایی که موجب تخریب سلولی می‌شوند، اشاره کرد. نگاه کنید به:

آمیزش جنسی تکثیر نمایند که نتیجه این عمل تولید موجودی است که به لحاظ ژنتیکی همانند موجود اولیه است.^۱

باید دانست که خوشبختانه کشور ما به لحاظ علمی از پیشتازان عرصه شبیه‌سازی است.^۲ با توجه به همین نکته و بنا به اهمیت مسایل مربوط به شبیه‌سازی، پژوهش‌های حقوقی در این باب به ویژه از دیدگاه حقوق بشر و حقوق بین‌الملل بایسته می‌نماید. در این جستار، قصد داریم به بررسی چالش‌های شبیه‌سازی انسان از همین دیدگاه بپردازیم. در واقع کوشش ما آن است که با تکیه به مفاهیم حقوق بشری، عیب و هنر این دانش و تکنیک نوپدید را بررسی کنیم.

الف- دلایل موافقان و نقد آن^۳

موافقان شبیه‌سازی انسان که شمارشان در مقابل مخالفان کمتر به نظر می‌آید، در مقام دفاع از اندیشه خود برای روا دانستن شبیه‌سازی انسان به صورت عمدۀ دو دلیل را عرضه می‌کنند. اول اثر مثبتی است که این پدیده از طریق برخی کارکردهایش می‌تواند بر زندگی بشر بگذارد. دلیل دوم، ضرورت حمایت از یکی از حقوق مهم بشر به نام آزادی تولید مثل است که به اعتقاد آنان از طریق شبیه‌سازی انسان می‌توان این آزادی را تامین کرد. به دیگر سخن، منع کردن آن مغایر با حقوق بشر و منجر به نقض حق آزادی تولید مثل خواهد شد.

۱- کارکردهای مثبت شبیه‌سازی انسان در امر باروری و درمان بیماری‌ها

برخی از دانشمندان و صاحب نظران معتقدند شبیه‌سازی مولد انسان باید عملی مجاز تلقی شود. چرا که به اعتقاد آنها این پدیده و پژوهش‌های مربوط به آن ممکن است در نهایت به دست آوردهای

۱. با وجود آنچه تا به حال در باره امکان تولید انسان گفته شده است، باید بگوییم که پس از تولید «دالی»، چند گونه پستاندار دیگر (شامل موش، خوک، بز و گاو) هم به همین شیوه با موفقیت تولید شدند. اما گویا تلاش برای همانندسازی انسان تا کنون راه به جایی نبرده است. نگاه کنید به:

The President's Council on Bioethics, "Human Cloning and Human Dignity: An Ethical Inquiry", *Law and Medicine*, Volume 18, Number 2, 2002, p169.

۲. دانشمندان ایران کار بر روی شبیه‌سازی را از سال ۱۳۸۳ در قالب طرح تحقیقاتی NT در تهران و اصفهان در پژوهشکده رویان آغاز کردند. در سال ۱۳۸۵ نخستین گوسفند شبیه‌سازی شده ایران به نام رویانا با همت پژوهشگران پژوهشکده رویان متولد شد. از میان تازه ترین موفقیت‌های کشورمان در زمینه شبیه‌سازی درمانی، می‌توان به تکثیر و فرآوری سلول‌های بنیادی مغز استخوان کودک ۱۰ ساله و پیوند آنها به قلب وی اشاره کرد. نگاه کنید به: پایگاه اطلاع رسانی اخبار پزشکی ایران و جهان به نشانی: <http://www.pezeshek.us/?p=5488>

۳. شایان ذکر است منظور از موافقان شبیه‌سازی آنهاست که از هر دو نوع شبیه‌سازی مولد و درمانی حمایت می‌کنند. حال آنکه مخالفان آنهاست که عمدتاً با شبیه‌سازی مولد مخالف هستند و با شبیه‌سازی درمانی هم موافقتی ندارند از آن روی که آن را راهگشای شبیه‌سازی مولد می‌پندارند.

مثبت در امر باروری و درمان بیماری‌های گوناگون منجر شود. لذا ممنوعیت این عمل باعث محرومیت بشریت از بسیاری از امکان‌های بالقوه مثبت خواهد شد. به عنوان نمونه این گروه برای اثبات ادعای خود به موارد زیر استناد می‌کنند.

الف) شبیه‌سازی رویان انسان ممکن است پزشکان را در درک بهتر علل سقط جنین یاری نماید. لذا تحقق این امر ممکن است در درمان و پیش‌گیری سقط‌های خود به خود و کمک به زنانی که قادر به نگهداری جنین و گذران دوره کامل بارداری نیستند نقشی مهم ایفاء نماید. (Department of Health(UK), at <http://www.doh.gov.uk/cegc/Stemcell Report.htm>)
 ب) انسان‌ها به طور معمول حامل هشت ژن معیوب می‌باشند. هر یک از این ژن‌ها می‌تواند عامل بیماری در انسان باشد اما در صورت فقدان آنها، افراد مبتلا به آن بیماری نخواهند شد. به عبارت دیگر به اعتقاد گروهی از پزشکان با استفاده از شبیه‌سازی انسان این امکان به وجود خواهد آمد که افراد در آینده حامل ژن‌های معیوب نباشند.

ج) شبیه‌سازی رویان انسان ممکن است منجر به درک سازوکاری شود که از طریق آن نطفه پس از تبدیل به بلاستوسیت خود را به دیواره رحم متصل می‌کند. به اعتقاد گروهی از پزشکان، شناسایی این سازکار می‌تواند به تولید قرص‌های ضدآبستگی اثر بخش منجر شود. علاوه بر این، آنها معتقدند رشد سریع نطفه انسان با رشد سلول‌های سرطانی قابل مقایسه است. لذا دانشمندانی که در خصوص سرطان پژوهش می‌کنند، بر این باورند که اگر شیوه‌ای برای متوقف نمودن تقسیم تخمک انسان یافت شود، در آن صورت ممکن است بتوان به راهکاری برای خاتمه دادن به رشد سلول‌های سرطانی دست یافت.

(US Department Of Health and Human Services National Institutes of Health Stem Cells, 2001 at: <http://www.nih.gov/news/stemcell/Scivport.htm>.)

د) زوجها ممکن است به جای تحمل دوباره آبستگی ترجیح بدهند یک جفت دوقلوی یکسان داشته باشند که این مسئله تنها از طریق شبیه‌سازی ممکن خواهد بود. انگیزه‌ها و دلایل مختلفی می‌تواند علت این ترجیح باشد.

ه) به اعتقاد گروهی از مدافعان از جمله دکتر ریچارد سید (Richard Seed) از حامیان پیشین در فناوری شبیه‌سازی انسان، ممکن است بتوان از طریق شبیه‌سازی فرآیند کهولت را معکوس کرد. به عنوان مثال از این پدیده می‌توان در ختی کردن حملات قلبی که در اثر کهولت برخی از سلول‌های قلب به وجود می‌آیند، بهره جست. بدین صورت که از طریق شبیه‌سازی سلول‌های سالم قلب و تزریق آنها به داخل بخش‌های مصدوم می‌توان قربانیان حملات قلبی را یاری نمود و به آنها امکان زندگی برای زمان بیشتری را داد.

(Human Cloning Foundation, the Benefits of Human Cloning. At: <http://www.Human Cloning.Org/Benefits.htm>.)

بدین ترتیب، مدافعان ضرورت مجاز شمرده شدن شبیه‌سازی انسان به مزایای این فناوری استناد کرده و معتقدند اگر افراد ترس را از خود دور کنند و اجازه دهند که این فناوری تحقق یابد، عصری نوین و بی‌سابقه در پیشرفت علم پزشکی آغاز خواهد شد. همچنین تأثیرات مثبت این پدیده به روشنی در زندگی بشر قابل لمس خواهد بود.

۲- منع شبیه‌سازی انسان در تقابل با آزادی تولید مثل است

به اعتقاد طرفداران شبیه‌سازی مولد، مشروعیت استفاده از شبیه‌سازی با محوریت خانواده می‌تواند محتمل باشد. چرا که از دیدگاه آنها شبیه‌سازی انسان فراتر از هر چیزی تعهد به داشتن و پرورش کودک است. در واقع از این منظر فرآیند شبیه‌سازی انسان، علاوه بر مراحل به دست آوردن تخمک، یافتن DNA برای کلون کردن، انتقال آن DNA به داخل تخمک فاقد هسته و قرار دادن تخم فعال شده در رحم و به دنبال آن بارداری، تغذیه و پرورش؛ شامل تعهد و توانایی به پرورش کودکی است که ژنوم او از پیش انتخاب شده و در واقع دوقلوی مشابه شخص دیگری است خواه این دیگری زنده باشد یا مرده.

صاحبان این عقیده می‌گویند، گروه‌های مخالف شبیه‌سازی مولد به راحتی از این واقعیت‌های اساسی که شبیه‌سازی انسان نیاز به رحم اجاره‌ای و تعهد به پرورش دارد و همچنین تأثیر نفوذ محیط روی کودک شبیه‌سازی شده به لحاظ پرورش و شباهت وی به منبع اولیه و حتی این که کودک شبیه‌سازی شده دارای یا برده خالقش نیست، بلکه فردی است با تمامی حقوق و وظایف مشابه با سایر اشخاص، چشم‌پوشی می‌کنند.^۱

بر همین اساس، موافقان شبیه‌سازی مولد انسان معتقدند که آزادی تولید مثل افراد، آزادی چنین فرآیندی را ایجاب می‌کند. چرا که به کمک شبیه‌سازی، افراد می‌توانند به لحاظ ژنتیک، کودک مرتبط به خود داشته باشند و بر مبنای تعهد به پرورش کودک حاصل، یک خانواده را تشکیل دهند. از این رو، ممنوعیت این پدیده در حقیقت نقض آشکار حقوق انسانی افراد محسوب خواهد شد.

خلاصه آنکه، برای تجزیه و تحلیل اخلاقی و حقوقی باید به تشخیص و ارزیابی نیازهایی که این تکنیک پاسخگوی آنها خواهد بود و ارتباط مهم آن با سایر شیوه‌های تولید مثل پرداخت. در واقع، پرسش این است که آیا شبیه‌سازی مولد می‌تواند به طور مسئولانه برای کمک به زوجها

۱. به عنوان نمونه در یکی از مشهورترین فیلم‌ها در ارتباط با شبیه‌سازی با عنوان «پسران برزیلی» (The Boys From Brazil) مطرح می‌شود که ژنها تنها جزء تعیین کننده این هستند که ما چه کسی هستیم و در کنار آن، طبیعت و محیط هم قدرت تأثیرگذاری جزئی دارند. برای اطلاعات بیشتر رجوع کنید به:

The Boys from Brazil, Incorporated Television Company films 1978, Director: Franklin J.Schaffner at: <http://www.imdb.com>

برای دستیابی به یک تولیدمثل مشروع با هدف تشکیل خانواده مورد استفاده قرار گیرد و آیا این گونه استفاده از شبیه‌سازی، در چارچوب اعمال آزادی تولیدمثل افراد به عنوان یکی از حقوقی اساسی و بنیادین آنها قرار می‌گیرد؟

به نظر می‌آید، ابتدا باید معنای آزادی تولیدمثل و محدوده آن را روشن کرد و سپس دانست که آیا استفاده از شبیه‌سازی انسان به عنوان یک شیوه تولیدمثل کمکی برای افزایش امکان باروری به جهت جایگزین شدن آن به جای شیوه‌های اهدای تخمک، گامت و سایر تکنیک‌ها در چارچوب معمول آزادی تولیدمثل قرار می‌گیرد یا خیر؟^۱

۱-۲) معنا و محدوده آزادی تولیدمثل از دیدگاه موافقان

ابتدا به بررسی معنای آزادی تولیدمثل و سپس محدوده این آزادی می‌پردازیم تا روشن کنیم که آیا شبیه‌سازی مولد انسان نیز در چهارچوب این حق قرار می‌گیرد یا خیر.

۱-۱-۲) معنا و مفهوم آزادی تولیدمثل

از آزادی تولیدمثل به معنای آزادی فرد برای تصمیم‌گیری در مورد داشتن یا نداشتن فرزند یاد می‌شود. در حقیقت آزادی تولیدمثل در دو بعد آزادی در اقدام به تولید مثل و آزادی در اجتناب از تولیدمثل خلاصه می‌شود. آزادی در تولید مثل به دلیل تاثیرات گسترده این عمل در زندگی افراد، نمونه‌ای از آزادی‌های شخصی بنیادین تلقی می‌شود

(Robertson, 1994, pp.22-45). در این خصوص استدلال می‌شود که با توجه به ماده ۱۲ اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ۱۹۴۸، این آزادی مربوط به زندگی خصوصی و امور خانوادگی افراد می‌باشد و باید از مداخله خودسرانه در آن جلوگیری شود.

در واقع می‌توان گفت که اهمیت آزادی تولیدمثل ناشی از تأثیری عمیق است که داشتن یا نداشتن فرزند در زندگی افراد دارد. چرا که تولیدمثل بار جسمی عظیمی نسبت به زن تحمیل می‌کند همان‌طور که بار اجتماعی، روانی و احساسی نسبت به زن و مرد تحمیل می‌کند. لذا این تفکر، رایج است که افراد نباید متحمل این زحمت شوند مگر این که به صورت ارادی آن را انتخاب نمایند. در مقابل این موضوع، آرزوی تولیدمثل هم حائز اهمیت است. چرا که فرزند، انسان را با طبیعت و نسل بعد مرتبط می‌کند، به انسان‌ها احساس ابدیت می‌دهد و آن‌ها را قادر

۱. بحثی که در پی خواهد آمد حاوی تمامی اشکال شبیه‌سازی، شامل اشتقاق رویان، انتقال هسته رویان یا جنین و انتقال هسته سلول سوماتیک از کودک یا بالغ خواهد بود. در ضمن، این بحث با فرض این است که تمامی اشکال شبیه‌سازی به صورت برابری کارآمد هستند.

می‌سازد که والدین کودکی شوند و او را پرورش دهند. لذا محروم کردن اشخاص از قابلیت و فرصت تولیدمثل یک رنج بزرگ است و نباید بدون رضایت آن‌ها صورت گیرد (Robertson, 1998, pp.1389-1390).

۲-۱-۲) محدوده آزادی تولیدمثل

همان‌طور که می‌دانیم آزادی تولیدمثل از هر دو سوی، یعنی آزادی برای تولیدمثل و آزادی اجتناب از آن، از موضوعات پرمجادله است. در بحث‌هایی همانند سقط جنین و در سال‌های اخیر بنا به پیشرفت‌های پزشکی، تولیدمثل با استفاده از شیوه‌های حاملگی غیرمقاربتی، انتخاب ژنتیک پیش از تولد و شبیه‌سازی انسان، کشمکش بر سر این است که آیا این موارد در چهارچوب آزادی تولیدمثل قابل تحلیل هستند. به عبارت دیگر، محدوده آزادی تولیدمثل تا کجاست و چه مواردی را شامل می‌شود و آیا توسل به هر شیوه‌ای برای تولیدمثل مجاز تلقی می‌شود؟ از اینها مهم‌تر، آیا حکومت می‌تواند افراد را در بهره‌مندی از این آزادی محدود نماید؟

در پاسخ به این پرسش‌ها، برخی صاحب‌نظران می‌گویند زوج‌های نابارور باید بهره‌مندی از تولیدمثل در مقایسه با زوج‌های بارور داشته باشند. چراکه به طور قطع عدم توانایی فیزیکی آنها برای باروری تأثیری بر توانایی مشابه آنها در پرورش کودکان ندارد. به همین جهت ناباروران مقاربتی نباید از تولیدمثل به وسیله تکنیک‌های کمکی منع شوند. (Robertson, 1994, pp.38-40). در نتیجه، آنان معتقدند زوج‌ها این حق اخلاقی را خواهند داشت که از تکنیک‌های تولیدمثل کمکی غیر مقاربتی مانند (IVF In Vitro Fertilization. لقاح در لوله آزمایش) یا تلقیح مصنوعی به وسیله اسپرم همسر، استفاده نمایند تا فرزندی داشته باشند که به لحاظ بیولوژیک بیشترین ارتباط را با آن‌ها دارد. علاوه بر این از دیدگاه آنها، زوج‌های نابارور حق خواهند داشت که از گامت‌های اهدایی، جانشین‌های حاملگی و حتی اهدای تخم در مراحل بدوی، به‌رغم حضور و نقش شخصی سومی در فرآیند تولیدمثل، استفاده نمایند. از منظر آنها هرچند شرکت فردی غیر از زوجین در تولیدمثل، دقیقاً منجر به تکرار وضعیت معمول ژن‌ها، بارداری و پرورش یگانه‌ای نخواهد شد که در تولیدمثل مقاربتی به وجود می‌آیند، اما باید به همان نحو با آن رفتار شود. چرا که هر یک از این شیوه‌ها به درجات مختلف، زوج‌ها را قادر می‌سازد کودکی داشته و بپرورند که به لحاظ بیولوژیک حداقل مربوط به یکی از آن‌ها باشد (Robertson, 1998, p.1390).

به اعتقاد آنها، آزادی تولید مثل آشکارا در بسیاری از رابطه‌ها پذیرفته شده است و با وجود بعضی مناقشه‌ها در این خصوص، به طور کل حق اخلاقی برای تولیدمثل شامل حق استفاده از وسایل غیرمقاربتی یا کمکی تولیدمثل هم می‌شود. به عبارت دیگر، با آنکه حوزه آزادی تولید مثل تاکنون به وضوح تعریف نشده است؛ اما تا حال حاضر برای تعیین آن چه که در محدوده

این آزادی قرار می‌گیرد، شیوه‌هایی به کار رفته‌اند. این روش‌ها شامل بررسی دقیق اعمال تولیدمثل کمکی از قبیل IVF، اهدای گامت یا جانشینی و ارزیابی منافع آنها در کنار درک و توجه به این موضوع است که تولیدمثل مقاربتی یک عمل با ارزش است. اعمال چنین روش‌هایی منجر به آن خواهد شد که اغلب تکنیک‌های تولید مثل جدید، جسورانه به عنوان بخشی از آزادی تولیدمثل در نظر گرفته شوند. چرا که این روش‌ها زوج‌های ناباور را قادر می‌سازد کودکی پرورش دهند که به موجب ژن‌ها یا بارداری به یک یا هر دوی والدین مرتبط است (Robertson, 1996, p. 479).

۲-۲) جایگاه شبیه‌سازی انسان در آزادی تولیدمثل از دید موافقان

بنا به آنچه گفته شد، موافقان شبیه‌سازی مولد انسان معتقدند اگر اغلب اشکال رایج تولیدمثل کمکی و گزینش ژنتیک در چارچوب مفاهیم غالب آزادی تولیدمثل قرار بگیرند، می‌توان این‌گونه استدلال کرد که برخی از اشکال شبیه‌سازی در ابعادی خاص از حق آزادی تولیدمثل سهیم هستند. به عنوان مثال، استفاده از شبیه‌سازی، زوج‌های ناباور را قادر می‌سازد که کودکی سالم و به لحاظ بیولوژیک مرتبط برای تربیت و پرورش داشته باشند. یا شبیه‌سازی به والدین این امکان را می‌دهد تا منبعی از بافت برای پیوند بیابند که کودک موجودشان را قادر به زندگی نماید. علاوه بر این، آنها معتقدند شبیه‌سازی آخرین شکل یا حتی ترسناک‌ترین شکل گزینش ژنتیک نیست و سرانجام، دانشمندان تکنیک‌های تغییر ژن را به وسیله الحاق یا حذف ژن‌ها توسعه خواهند داد (Harris, 2004, pp. 332-334).

لذا موافقان شبیه‌سازی مولد انسان برای توجیه لزوم مجاز بودن این عمل به حق آزادی تولیدمثل افراد استناد می‌کنند. آنها معتقدند آن چه که باعث مجاز شمرده شدن شبیه‌سازی انسان می‌شود، حق تولیدمثل افراد با قصد تربیت و پرورش کودک حاصل است. حتی این گروه، شبیه‌سازی DNA شخص ثالث را که به هیچ وجه تولیدمثل مستقیم محسوب نمی‌شود، به لحاظ وجود رابطه بارداری و پرورش والدین جزء آزادی تولیدمثل افراد به حساب می‌آورند و آن را با آن چه که در حال حاضر به عنوان اهدای تخم مورد استفاده قرار می‌گیرد مشابه و برابر تلقی می‌کنند.

موافقان شبیه‌سازی انسان در عین آنکه معتقدند مفهوم تولیدمثل، خانواده، پرورش، والدین و کودکان به هر میزان که از تولیدمثل جنسی فاصله بگیریم، مبهم و نامشخص خواهد شد؛ اما بر این نکته تأکید دارند که زوج‌هایی که به کمک شبیه‌سازی، قصد بارداری و پرورش کودکی

را دارند که حتی‌الامکان به لحاظ ژنتیک به آنها مرتبط باشد، نباید از حق تولیدمثل خودشان محروم شوند.^۱

از نگاه طرفداران شبیه‌سازی مولد، ریشه مشکلات ابهام در خصوص نقش ژن‌ها در فرآیند تولیدمثل است. به اعتقاد این گروه هر چند ممکن است ژن‌ها شرط ضروری تولیدمثل باشند اما هرگز معیار کافی برای سنجش صحت تولیدمثل نیستند. در حقیقت از منظر آنها، تولیدمثل به مفهوم ارتباط بیولوژیک به علاوه تربیت اطلاق می‌شود. لذا این گروه حداقل لازم برای تحقق تولید مثل را قصد تربیت و بارداری می‌دانند (Robertson, 1998, p.1403).

در نهایت برآیند آرای مدافعان حاکی از این است که شبیه‌سازی انسان باید با استناد به آزادی تولیدمثل مجاز تلقی شود. اما نکته حائز اهمیت آن است که آیا آرزوی آنها جهت تجویز این شیوه از تولیدمثل، زیان مهمی در پی نخواهد داشت به گونه‌ای که لزوم محدودیت این شیوه به ظاهر معتبر از تشکیل خانواده را پیش بیاورد؟ برای بررسی این موضوع، به نظر لازم است به کوتاهی حق تولید مثل را از بُعد حقوق بین‌الملل از نظر بگذرانیم.

۲-۳) حق تولیدمثل از منظر حقوق بین‌الملل

حق تولیدمثل به عنوان یک حق بشری از جهات مختلف در معاهدات و اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای مورد توجه قرار گرفته است. جایگاه این حق در حقوق بین‌الملل را می‌توان بر اساس اسناد بین‌المللی جهان شمول و منطقه‌ای مرتبط با این موضوع، معلوم کرد.

۲-۳-۱) حمایت از حق تولیدمثل در سطح بین‌المللی

به طور کلی در میان مقررات مربوط به حق تولیدمثل در معاهدات و اسناد بین‌المللی، دسته‌ای صراحتاً یا به طور ضمنی به حق انتخاب تولیدمثل مربوط می‌شوند و دسته‌ای دیگر به صورت صریح یا ضمنی مربوط به حق سلامت تولیدمثل هستند. به هر روی، به نظر می‌رسد نخستین حمایت مستقیم از حقوق تولیدمثل در سطح جهانی در میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی سال ۱۹۶۶، مقرر شد.

بند (۲) ماده ۲۳ این میثاق مقرر می‌دارد که تمامی زنان و مردان در سن ازدواج، حق دارند که ازدواج کرده و تشکیل خانواده دهند. در پی آن، تفسیر کلی کمیته حقوق بشر به شماره ۱۹

۱. بد نیست اضافه کنیم که از دیدگاه مدافعان، در نظر گرفتن حق انتخاب افراد در موضوع تولیدمثل، با توجه به این که چنین موضوعی مربوط به حوزه امور مجرمانه و شخصی افراد و سرشار از معانی گوناگون برای زندگی آنها است، ضرورتی حتمی به نظر می‌رسد. بنابراین، لازم نیست که همه افراد تمامی راه‌های دسترسی به اهداف تولیدمثلی شناخته شده را بپذیرند، بلکه پذیرش و گزینش این راه‌ها باید اساساً به افرادی که به طور مستقیم در ربط و پیوند با موضوع هستند، واگذار شود. نگاه کنید به: (Robertson, 1998, p.1402).

در خصوص حمایت از خانواده، حق ازدواج و برابری زن و شوهر، بیان می‌دارد که «حق تشکیل خانواده به طور ضمنی به این معناست که در اصل امکان تولید مثل و زندگی مشترک» وجود داشته باشد. به علاوه این که سیاست‌های تنظیم خانواده دولت نباید تبعیض‌آمیز یا اجباری باشند (CCPR General Comment 19, 1990, Art. 23). در عین حال، از دید شماری از مفسران، هیچ عبارتی در متن ماده ۲۳ میثاق یا تفسیر کمیته حقوق بشر مبنی بر وظیفه ایجابی دولت برای کمک به زوجها، جهت تحقق بخشیدن به «امکان ایجاد انسان دیگر» وجود ندارد (Packer, 1998, p.82).

معاهده مهم دیگر، کنوانسیون ملل متحد در خصوص رفع تمامی اشکال تبعیض نسبت به زنان (CEDAW) مصوب سال ۱۹۷۹ است که محتوایی پیشرو و مترقی در این زمینه دارد. بند (۱) ماده ۱۶ این کنوانسیون به حق انتخاب تولیدمثل پرداخته و مقرر داشته است:

دولت‌های متعاقد باید همه اقدامات لازم جهت رفع تبعیض نسبت به زنان را در همه امور مربوط به ازدواج و روابط خانوادگی انجام دهند و به ویژه بر پایه تساوی مرد و زن تضمین نمایند: ... حقوق مساوی زنان برای تصمیم‌گیری آزادانه در خصوص تعداد فرزندان و فاصله زمانی بارداری و همچنین دسترسی به اطلاعات، آموزش و وسایلی که آنها را قادر به اعمال این حقوق سازد.

در نگاه کلی به نظر می‌آید که مطابق این ماده، طرف‌های معاهده صرفاً متعهد به تضمین اختیار زنان برای تصمیم‌گیری در امر تولیدمثل بدون دخالت دیگری شده‌اند. به علاوه این که، به نحوی شایسته از موضوعات مربوط به برنامه خانوادگی از قبیل شیوه‌های جلوگیری از بارداری و قابلیت استفاده از سقط جنین، مطلع شوند. با این حال، ماده ۱۶ توسط برخی مفسران موضوع تفسیری موسع‌تر قرار گرفته است. به عنوان مثال، یکی از مفسران به نام اریکسون استدلال می‌کند که مفهوم ضمنی عبارات این ماده بر حق انتخاب باردار شدن یا نشدن دلالت می‌کند؛ حقی که می‌تواند با استفاده از تکنیک‌های مصنوعی، همانند تکنیک‌های طبیعی صورت پذیرد. از این منظر، از آن جا که حق در صورتی که اعمالش برای صاحب آن غیرممکن باشد بی‌معنا خواهد بود، اشخاص نازا در صورت لزوم باید حق استفاده از تکنیک‌های تولیدمثل کمکی را داشته باشند (Eriksson, 1993, p.194). اما به ظاهر از این تفسیر موسع، در کمیته نظارتی کنوانسیون هیچ پشتیبانی صورت نگرفت. حتی در توصیه کلی شماره ۲۱ CEDAW، در خصوص برابری در ازدواج و روابط خانوادگی، درباره محدوده و اهداف ماده ۱۶ دیدگاهی کاملاً مضیق ملاحظه می‌شود (U.N. Doc. A/47/38). بدین معنا که کنوانسیون، تنها به یک بُعد از حق تولیدمثل به معنای عدم بارداری پرداخته و نه تنها بر درمان نازایی

تأکیدی ندارد بلکه بیشتر نگاهی به تأثیرات منفی تولد کودک بر روی زندگی زنان دارد. توصیه نامه یاد شده، صرفاً بر اهمیت تضمین این قبیل حق زنان که موضوع اعمال اجباری نظیر حاملگی‌های اجباری، سقط جنین یا عقیم کردن قرار نگیرند و همچنین اطلاعات کافی در خصوص شیوه‌های جلوگیری از بارداری داشته باشند، تأکید می‌کند (U. N. Doc. A/47/38). علاوه بر این ماده، ماده ۱۲ کنوانسیون به مسئله حق سلامت تولیدمثل پرداخته است. بند (۱) آن مقرر می‌دارد:

دولت‌های طرف معاهده باید تمامی اقدامات لازم جهت محو تبعیض نسبت به زنان را در زمینه مراقبت‌های بهداشتی انجام داده و بر مبنای تساوی زن و مرد، دسترسی به خدمات بهداشتی را شامل خدمات مربوط به برنامه‌های تنظیم خانواده تضمین نمایند.

درباره این ماده نیز برخی مفسران در پی آن بر آمدند که تفسیری موسع ارائه کنند؛ به نحوی که در محدوده آن حق دسترسی به درمان موثر برای نازایی لحاظ شود (Packer, 1998, p.82). با این حال، حمایتی از این طرز نگرش به ماده ۱۲، از طرف کمیته CEDAW صورت نگرفت. به عنوان مثال در توصیه کلی شماره ۲۴ کمیته، در خصوص زنان و سلامتی، هیچ مطلبی که دلالت بر پیشنهاد تفسیر ماده ۱۲ به نحوی که شامل حق درمان موثر برای نازایی باشد، به چشم نمی‌آید (U. N. Doc A/54/38/ Rev. 1, Para.24). لذا همان طور که در مورد تفسیر ماده ۱۶ ذکر شد، رویکرد کمیته بسیار محافظه‌کارانه بوده و مجدداً تأکید آن تنها بر حق دسترسی به اطلاعات مربوط به برنامه‌ریزی تنظیم خانواده و خدمات سنتی به خانواده است (U. N. Doc A/54/38/ Rev.1, Para.2, 11, 18, and 28).

گفتنی است که در سال‌های دهه ۱۹۹۰، توجه‌ای افزون‌تر به حق تولیدمثل در سطح بین‌المللی دیده می‌شود که به خصوص در کنفرانس بین‌المللی ۱۹۹۴ در خصوص جمعیت و توسعه و همچنین چهارمین کنفرانس جهانی زن ۱۹۹۵ به ظهور رسید. با این حال، به رغم تلاش‌های فراوان در این دو کنفرانس و همچنین کنوانسیون رفع تبعیض نسبت به زنان برای تصویب مقررات الزام‌آور حقوقی در خصوص حق انتخاب و استقلال در تولید مثل، به نظر دگرگونی عمده‌ای حاصل نشد. از این رو، به طور کلی به نظر می‌رسد با توجه به جایگاه حق تولیدمثل در معاهدات بین‌المللی، آن چه که مدافعان شبیه‌سازی مولد انسان به آن استناد کرده و دستمایه اثبات ادعای خود قرار می‌دهند با برداشت مراجع نظارتی بین‌المللی ذیربط از حق تولیدمثل، همسویی ندارد.

۲-۳-۲) حمایت از حق تولیدمثل در معاهدات منطقه‌ای

در میان معاهدات منطقه‌ای حمایت از حقوق بشر، باید به کنوانسیون اروپایی حقوق بشر (The European Convention on Human Rights) به عنوان نمونه‌ای بسیار پیشرو نگریم. اما در این کنوانسیون، مقرراتی اندک به مسئله حق تولیدمثل اختصاص دارند. از بررسی مقررات مختصر مربوط به این حق، این قدر می‌توان فهمید که هیچ عبارتی دال بر حمایت از حق انتخاب یا طراحی بهترین کودک و یا فراتر از آن، استفاده از تکنیک تولیدمثل مصنوعی شبیه‌سازی مولد وجود ندارد. برای اثبات این مدعا به بررسی مهم‌ترین مواد کنوانسیون در این خصوص می‌پردازیم.

ماده ۱۲ کنوانسیون که به حق تولیدمثل اشاره کرده و دارای مفاهیم مشابهی با بند (۲) ماده ۲۳ میثاق حقوق مدنی و سیاسی است، چنین مقرر می‌دارد:

مردها و زنهایی که در سن ازدواج هستند حق دارند که مطابق با قوانین ملی ناظر به اعمال این حق، ازدواج نموده و تشکیل خانواده دهند.

به اعتقاد برخی از مفسران از جمله پاکر، حق تولیدمثل از طریق شیوه‌های مصنوعی در چارچوب حقوق حمایت شده در ماده ۱۲ قرار می‌گیرد. به اعتقاد او، هر چند در زمان تنظیم ماده ۱۲ طرف‌های معاهده توجهی به گسترش خانواده از طریق تکنیک‌های مصنوعی نداشتند، اما کنوانسیون یک موجود پویا و زنده است که با روی کردن اوضاع و امکانات جدید بالندگی‌اش را حفظ می‌کند. از آن جا که در حال حاضر، تولیدمثل مصنوعی یک وسیله پذیرفته شده برای گسترش خانواده است و در بسیاری از موارد از فرزندخواندگی به تولیدمثل طبیعی نزدیک‌تر است و با توجه به هدف کنوانسیون برای گسترش محدوده حق تولیدمثل برای در برگرفتن فرزندخواندگی، دور از ذهن و غیرعادی به نظر خواهد رسید اگر تولیدمثل مصنوعی از این حق استثناء شود (Packer, 1998, p.82).

با این همه، حتی پذیرش این که تولیدمثل مصنوعی در محدوده ماده ۱۲ قرار می‌گیرد، به این معنا نیست که تحقق آرزوی افراد برای دسترسی به چنین تکنیکی حتمی و قطعی است. بلکه این حق مشروط به شروطی است. به عنوان مثال، حق تشکیل خانواده که در ماده ۱۲ به آن تصریح شده است می‌تواند در مواردی موضوع محدودیت صریح پیش‌بینی شده در ماده ۸ کنوانسیون قرار گیرد. این ماده مقرر می‌دارد:

هر فردی حق دارد که زندگی خصوصی و خانوادگی‌اش، خانه و مکاتباتش مورد احترام قرار بگیرد. نباید هیچگونه مداخله‌ای در خصوص اعمال این حقوق توسط قدرت عمومی صورت گیرد به جز مواردی که مطابق با قانون است و در جامعه دمکراتیک برای منافع امنیت ملی، امنیت عمومی یا رفاه اقتصادی کشور، برای

جلوگیری از اختلال یا جرم، برای حمایت از سلامت یا اخلاقیات و یا برای حمایت از حقوق و آزادی‌های دیگران ضروری است.

علاوه بر آن، شرط مهم دیگر در خصوص حق تشکیل خانواده در خود ماده ۱۲ ذکر شده است. به موجب این ماده اعمال حق تولیدمثل در هر کشور باید طبق قوانین ملی صورت پذیرد. لذا ماده یاد شده، به طور کل حق تولیدمثل را اعطا کرده است؛ اما به عنوان مثال این که آیا افراد حق دارند به فرزندخواندگی به عنوان یکی از شیوه‌های بالقوه اعمال حق تشکیل خانواده متوسل شوند یا خیر، بستگی به قوانین خاص دولتشان دارد. به عبارت دیگر حتی اگر بتوان با موفقیت اثبات کرد که تولیدمثل مصنوعی به عنوان یکی از شیوه‌های تولیدمثل، در راستای مقاربت طبیعی برای اعمال حق تشکیل خانواده به موجب ماده ۱۲ است، محدوده این حق، شیوه‌ای که این حق باید اعمال شود و حتی این که آیا در کل مجاز شناخته می‌شود یا خیر، موضوع مقررات قانونی خواهد بود که قانون‌گذاران داخلی وضع می‌کنند (Harris, 2004, p. 341).

با توجه به نکات بالا، به نظر می‌رسد در حال حاضر هیچ مبنای آشکاری در حقوق بین‌الملل برای اثبات این ادعا که «حق تولید مثل» قابل به کارگیری در شبیه‌سازی انسان است، وجود ندارد. با این حال با توجه به برخی منافع شبیه‌سازی و فضای باز برای تنظیم مقررات بین‌المللی، امکان توجه بیشتر به این حق در آینده وجود خواهد داشت. به نحوی که برخی از اشکال تکنیک‌های تولیدمثل مصنوعی، تغییرات ژنتیکی، شبیه‌سازی و غیره مشمول حق تولیدمثل قرار گیرند.

ب) مخالفت با شبیه‌سازی مولد انسان و دلایل آن

به دنبال پیشرفت‌های مهم در زمینه شبیه‌سازی جانداران و طرح امکان تحقق شبیه‌سازی انسان، به جهت ارتباط مؤثر این پدیده با انسان، امکان بروز خطرهای احتمالی ناشی از آن نیز قوت گرفت. خطرهایی همچون نقض کرامت و استقلال انسان، اصلاح نژاد، تولید انسان به عنوان کالا و مانند آن. این‌گونه بود که چالش‌های مختلف حقوق بشری مطرح و مبنای مخالفت‌های بسیار با شبیه‌سازی قرار گرفت. در اینجا، به شرح دلایل اینگونه مخالفت‌ها با شبیه‌سازی می‌پردازیم.

۱) کرامت و شبیه‌سازی انسان

۱-۱) مفهوم کرامت انسان

در معنای کرامت انسان و لوازم آن، سخن بسیار است. از نگاه صاحب نظران بلند نام، کرامت به معنی عزت و شرف و معادل واژه dignity که در منشور ملل متحد و اعلامیه جهانی

حقوق بشر آمده است، مرتبه‌ای والاتر از آزادی و صفت کسی است که نیکویی‌های استثنایی و چشمگیر دارد. این کرامت سلب‌ناپذیر از انسان، از نظرگاه ادیان تجلی اراده حق تعالی است (موحد، ۱۳۸۱، ص ۴۲۳). به نوشته یکی از تحلیل‌گران اعلامیه جهانی حقوق بشر، قرار دادن اصل کرامت ذاتی در دیباچه اعلامیه جهانی حقوق بشر به عنوان مبنای حقوق هر یک از اعضای خانواده بشری، همانا شناسانیدن گونه‌ای منزلت و حرمت خاص برای همه انسان‌هاست و به رغم اختلاف نظرها، گنه این مفهوم به زبان ساده و روشن یعنی: رعایت احترام همه توسط همه همچون سنگ پایه روابط انسانی متمم‌نامه (Langlois, 2005, pp.302-303). از نظرگاهی کمابیش مشابه، دیگر نویسندگان، کرامت را بر دو نوع دانسته‌اند: کرامت ذاتی بشر که لاینفک ذات وجود اوست و کرامت غیرذاتی بشر که عَرَض وجود اوست و از طریق اکتساب و تحصیل به دست می‌آید (موسی زاده، ۱۳۸۶، ص ۳۶۴). هنگامی که موضوع حمایت از کرامت انسانی در برابر سوءاستفاده‌های احتمالی از علم مطرح می‌شود؛ منظور از کرامت، کرامت ذاتی و ویژگی بنیادین نوع بشر است. ویژگی‌ای که انسان‌ها را از سایر آفریدگان متمایز ساخته و به بشریت عنوان مرکز عالم را اعطا می‌کند. به عبارت دیگر، این معیار مبنای حقوق بشر محسوب می‌شود و هر کس که بر روی کره خاکی زندگی می‌کند از این کرامت بهره می‌برد. در واقع کرامت ذاتی صرفاً ناشی از اراده شخص نیست بلکه این کرامت انسان‌ها، ویژگی است که بیانگر انسانیت آنهاست و در آن مشترک هستند (سیلومارکس هلمنس، ۱۳۸۶، ص ۳۹).

۱-۲) مغایرت شبیه‌سازی انسان با کرامت انسانی

بر پایه این طرز تلقی از «کرامت انسانی»، برخی اندیشمندان همانندسازی را ناسازگار با آن یافته و معتقدند پذیرش قدرت مطلق علم و خواست فرد به عنوان معیار اساسی، کرامت انسانی را در معرض خطر قرار می‌دهد. در واقع نویسندگان حقوقی و نمایندگان تفکرات فلسفی شبیه‌سازی انسان را منجر به آسیب به کرامت بنیادین بشری می‌دانند که باید محدودیت‌هایی را بر آن اعمال کرد. از دید اینان، انسان شبیه‌سازی شده از همان کرامت و منزلتی که انسان‌های دیگر برخوردارند، بهره‌مند نخواهد بود؛ بلکه به کالایی تبدیل می‌شود و یا آن گونه که برخی گفته‌اند برده‌داری نوین شکل خواهد گرفت و هوی و هوس پدید آورنده بر موجود شبیه‌سازی شده مسلط خواهد شد- (Nawash, at: <http://www.islam-online.net/iol/english/dowalia/techng-15-10/techng1b.asp>) همچنین بر این عقیده‌اند که ممکن است شبیه‌سازی، منجر به احساس عدم فردیت کلون شود و یا وی را به دلیل علم به این که تنها یک والد ژنتیک دارد یا به دلیل آگاهی از خصوصیات منبع اهدای سلول جسمی، دچار فقدان اعتماد به نفس لازم نماید (Andrews, 1998, p.643).

برخی دیگر از نویسندگان، علاوه بر اینکه نظر به مغایرت شبیه‌سازی با کرامت خود افراد دارند، فراتر نیز رفته و آن را مغایر با «کرامت همگانی» یا «کرامت بشریت» می‌دانند؛ (Malby, 2002, p.103). هر چند به ظاهر هیچ اجماعی وجود ندارد که جوامع به همان گونه‌ای که افراد دارای کرامت هستند، صاحب کرامت باشند (Klonai, 1995, p.53). گروهی دیگر از نویسندگان افزون بر اعتقاد به اینکه اتکا به کرامت انسان برای ترویج و حمایت از حقوق و آزادی‌های افراد ضرورت تام دارد، به مفهومی گسترده‌تر در مورد کرامت باور دارند که به موجب آن، گروه‌ها و جوامع را از کرامت بهره‌مند می‌دانند (Ullrich, 2003, p.10). اینان در راستای اثبات ادعای خود، اشاره به وجود چنین کرامتی در برخی اسناد می‌کنند که از جمله آنها اعلامیه یونسکو بدین مضمون است که:

«هیچ گونه تحقیقی در خصوص ژنوم انسان یا کاربردهای آن، به طور خاص در زمینه زیست‌شناسی، ژنتیک و پزشکی، نباید بر احترام به حقوق بشر، آزادی‌های بنیادین و کرامت انسانی افراد و یا گروهی از افراد غالب شود» (Universal Declaration on the Human Genome and Human Rights, 1997, Art.10)

به هر روی، معتقدان به مغایرت شبیه‌سازی مولد انسان با کرامت فردی و جمعی بشر خواهان اعمال ممنوعیت و محدودیت‌های ضروری در عرصه جهانی توسط مراجع بین‌المللی شده‌اند؛ تا از این طریق از سوءاستفاده‌های احتمالی که منجر به نقض کرامت بشر خواهد شد به بهترین نحو جلوگیری شود. چنین به نظر می‌آید اقداماتی که توسط مراجع بین‌المللی از قبیل سازمان ملل، یونسکو و سازمان بهداشت جهانی در خصوص محدود ساختن شبیه‌سازی انسان صورت گرفته‌اند به همین منظور بوده است. به عنوان نمونه می‌توان به اعلامیه جهانی یونسکو در خصوص ژنوم انسان و حقوق بشر اشاره کرد که ممنوعیت «اعمالی که مغایر کرامت انسان هستند، نظیر شبیه‌سازی مولد» را توصیه می‌کند (Universal Declaration on the Human Genome and Human Rights, 1997, Art.10) به طور مشابه در سال ۱۹۹۸، سازمان بهداشت جهانی تصریح کرد که «شبیه‌سازی برای تکرار افراد انسانی به لحاظ اخلاقی غیر قابل قبول و مغایر کرامت و تمامیت انسان است» (WHO, 1998). هم‌چنین در این راستا کنوانسیون شورای اروپا برای حمایت از حقوق بشر و پروتکل الحاقی آن در خصوص ممنوعیت شبیه‌سازی انسان مقرر می‌دارد «ابزاری نمودن انسان از طریق تولید عمدی انسان مشابه ژنتیک مغایر کرامت انسان و در حقیقت سوءاستفاده از زیست پزشکی است».

(Council of Europe, 1998).

۲) نگرانی از تولید انسان به عنوان کالا

همان‌گونه که گفتیم یکی دیگر از خطرهای همانندسازی انسان، منجر به نگرانی‌های اجتماعی و روانی، این است که با کودکان متولد شده به عنوان وسیله‌ای برای تحقق اهداف دیگران رفتار شود. در واقع، چنین امکانی بسیار خطرناک خواهد بود اگر، همانند فیلم «دنیای قشنگ نو» (Brave New World) شبیه‌سازی انسان برای تولید طبقه کارگر یا کپی‌های بسیار از ژنوم خاص برای خدمت به اهداف سودجویانه اجتماعی و فردی، بدون توجه به حقوق و رفاه کلون‌ها، مورد استفاده قرار گیرد. در واقع در این صورت کودکان همانندسازی شده شبیه کالاهایی مصنوعی، دست ساز یا تولید شده در کارخانه‌ها خواهند بود که افراد با مراجعه به کاتالوگی که تصاویر کودکان آینده و شرح مختصری از خصوصیات آنها در آن درج شده جنین مورد نظر را سفارش داده و آن را در رحم زنی جای می‌دهند (**Human Cloning, the Religious and Ethical Debates**, at: <http://www.CS.Virginia.Edu/jones/Tmp352/Projects98/group1/Ethic.Html>) خطر شیء شدن و ابزار بودن حتی در میان زوج‌هایی که با هدف باردار شدن و پرورش دادن کودک حاصل، DNA فردی را انتخاب می‌کنند، امکان پذیر به نظر می‌آید. چرا که ممکن است آنها کودک را به عنوان وسیله‌ای برای دستیابی به اهدافی که انگیزه انتخاب آن ژنوم برای شبیه‌سازی بوده است، در نظر بگیرند. به نحوی که زندگی کودک را به انبوهی از انتظارات مبدل و در نهایت او را تا آن حد رنج دهند که آرزوی عدم تولدش را نماید (Robertson, 1998, pp. 1419-1420).

جنبه دیگری از ابزاری شدن کودک حاصل از شبیه‌سازی، استفاده از او به عنوان منبع ارگان و بافت، جهت پیوند به منبع DNA است. در چنین فرضی، شبیه‌سازی با این هدف صورت می‌گیرد که فرد موجود از بافت‌ها و ارگان‌های مشابه خود- با قابلیت پیوند بالا- جهت درمان بیماری‌اش استفاده نماید. در حالی که این عمل منجر به خدشه‌دار شدن کرامت انسان و در نظر گرفتن وی در حد یک ابزار و وسیله است. این موضوع به شدت از جانب حامیان حقوق بشر مورد انتقاد قرار گرفته است (Krauthammer, 2002).

البته شایان توجه است که مسئله شیء شدن انسان شبیه‌سازی شده تا حدودی متفاوت خواهد بود اگر زیست‌شناسی تا آن مرحله پیشرفت نماید که بتواند بافت و ارگان‌های لازم برای پیوند را از سلول‌های بنیادی جنینی یا جنین تازه سقط شده به دست بیاورد. چرا که در صورت تحقق چنین امری، برای به دست آوردن بافت یا ارگان جهت پیوند، تنها نیاز به تولید کلون رویان خواهد بود، نه تولید کودکی که حتماً متولد بشود. در چنین مواردی با فرض این که رویان و جنین به خودی خود فاقد حقوق به عنوان شخص هستند مشکل ابزاری شدن کودک حاصل، حل خواهد شد (National Bioethics Advisory Commission, 2003, p.13).

۳) خطر اقدام برای اصلاح نژاد از طریق شبیه‌سازی

آرمان تسلط بر طبیعت و دگرگون کردن جامعه بشری، از طریق دستکاری ژن‌ها آرزوی دیرینه‌ای است. با رشد علم ژنتیک در سده‌های گذشته، امکان تحقق این رویا بیش از پیش شکل واقعیت به خود گرفته است. امروزه هم با طرح اندیشه شبیه‌سازی انسان از طریق انتقال هسته سلول پیکری، ایده اصلاح نژادی بسیار بیش از گذشته تقویت شده است. ولیکن طرح این ایده، مخالفت‌ها و واکنش‌های بسیاری را در پی داشته است. در واقع تصور شبیه‌سازی به قصد اصلاح نژاد و به شکل گسترده، ترس و نگرانی بی‌اندازه را موجب می‌شود. باید توجه داشت که ایده اصلاح نژاد از طریق شبیه‌سازی به دو شکل منفی و مثبت قابل تصور است. به این معنا که اصلاح نژادی منفی در راستای بهبود وضعیت سلامت جسمانی، اقدام به حذف عناصر ژنتیکی منفی و مخرب می‌نماید، در حالی که اصلاح نژادی مثبت به دنبال از میان بردن اختلالات ژنتیک افراد نیست بلکه به دنبال ایجاد تغییرات دلخواه برای خلق موجودی با ویژگی‌های خاص است (National Bioethics Advisory Commission, 2003, p.14-15). چنین اعمالی ممکن است در سطح کلان و توسط یک حکومت و یا به صورت جزئی و خصوصی واقع شود.

۴) نقض استقلال و آزادی افراد

در اهمیت آزادی و استقلال بشر که لازمه اصلی و اساسی زندگی اوست، هر چه بگوییم کم است. چرا که انسان‌ها آزاد به دنیا می‌آیند و - مطابق قواعد اجتماع خود- باید آزاد زندگی نمایند. حال آن که از دیدگاه حامیان حقوق بشر، شبیه‌سازی مولد انسان منجر به خدشه و صدمه به استقلال و آزادی او می‌شود؛ پس باید به هر صورتی ممنوع اعلام شود. اینان برای اثبات ادعای خود دلایلی دارند که به مهمترین آنها اشاره می‌کنیم.

۴-۱) اگر کودکان حاصل از شبیه‌سازی به عنوان مال، شیء یا برده منبع کلون یا ابتکارکنندگان شبیه‌سازی محسوب شوند، منجر به سلب آزادی آنها خواهد شد. این در حالی است که بر فرض تحقق شبیه‌سازی انسان و مشروع بودن آن، هر کودکی که از این طریق متولد خواهد شد شخصی با تمام حقوق قانونی و اخلاقی خواهد بود، بدون این که مال یا شیء فاعل شبیه‌سازی باشد. لذا ممنوعیت قتل، تجاوز، بهره‌کشی از کودک و سایر حمایت‌ها از کودکان، نسبت به این افراد هم باید اعمال شود. به عبارت دیگر تصمیم‌گیری در خصوص ژن‌های شخص و استفاده از DNA فرد موجود برای به دنیا آوردن یک کودک، به منبع کلون و ابتکارکنندگان شبیه‌سازی حقی اضافه برای تسلط کامل یا مستبدانه بر کودک حاصل اعطا نمی‌کند (Dwyer, 1994, pp.1371-1446). اما در هر حال از دیدگاه مخالفان به دلیل امکان وجود

سوءاستفاده از این پدیده و زیر پا گذاشتن حق استقلال فرد کلون شده، بهتر آن است که مانع انجام چنین اعمالی شویم.

۴-۲) از دیدگاه گروهی که معتقدند ژن‌ها، اعمال افراد را کنترل می‌نمایند و با انتخاب ژن‌های یک فرد می‌توان تعیین کرد که او چه کسی باشد، شبیه‌سازی و انتخاب DNA فرد حاصل منجر به نقض استقلال وی خواهد شد (Zohar, 1991, pp.275-285). چرا که با چنین پیش فرضی، گزینش یک گروه از ژن‌ها برای شخص، می‌تواند او را از استقلالی که در صورت داشتن مجموعه ژن‌های دیگر می‌داشت، محروم نماید.^۱

۴-۳) عامل دیگری که احتمال نقض استقلال افراد را پیش می‌آورد، انتظارات والدین مبتنی بر انتخاب ژنوم است. در این مورد نگرانی این است که چون انتخاب ژن‌ها معنای خاصی برای والدین دارد، زوج‌ها از کودک خود بخواهند یا توقع داشته باشند که زندگی منبع ژن را تقلید و کپی‌برداری نماید. بدین ترتیب آنها با راهنمایی کودک برای برآورده ساختن انتظارات، او را از توانایی برای انتخاب مسیر زندگی خودش محروم می‌کنند. در نهایت این امر منجر به آن خواهد شد که کودک خود را فاقد آزادی عمل و محدود به آن چه که منبع DNA او عمل کرده است، تصور نمایند. لذا آن چه که محصول این تصور خواهد بود از میان رفتن استقلال و آزادی کودک شبیه‌سازی شده است (Robertson, 1998, p.1416).

۴-۴) دیگر مسئله‌ای که مطرح می‌شود نقض استقلال افراد به واسطه انکار آینده‌ای باز به دلیل اطلاع از خصوصیات منبع کلون است. در شرح این مورد به دیدگاه فیلسوف هانس جونز اشاره می‌کنیم. وی معتقد است: حقیقت ساده و بی‌نظیر آن است که کلون همه چیز را در مورد خودش کاملاً می‌داند (یا معتقد است که می‌داند)، و همچنین همه چیز را در مورد دیگران به خوبی می‌داند (یا معتقد است که می‌داند)... اطلاع از خصوصیات فرد اهداکننده DNA، باعث دیکته شدن تمام انتظارات، پیش‌گویی‌ها، امیدها، ترس‌ها، اهداف، مقایسه‌ها، استانداردهای موفقیت و شکست خواهد شد (Jonas, 1974, pp. 141-163).

طبق دیدگاه وی، «کلون سرنوشت خود را با فرضیات بسیاری در خصوص ویژگی‌های منبع شبیه‌سازی می‌سازد، که به موجب تحمیل آنها بر تمامی ابعاد زندگی‌اش استقلال خود را از دست می‌دهد» (Jonas, 1974, pp. 141-163). برای همین، وی نتیجه می‌گیرد که آزادی کلون که تنها در

۱. در مقابل دیدگاه مذکور برخی معتقدند همسانی ژنتیک بین اصل و شبیه، استمرار شخصیتی ایجاد نمی‌کند. لذا شبیه بر فرض تولد، ملتزم به اعمال یا موظف به ادامه حرفه و شهرت اصل نخواهد بود. رجوع شود به: مصطفی‌السان، «مبانی منع شبیه‌سازی»، مجله پژوهش‌های حقوقی، شماره ۱۱، ص ۳۱۴.

سایه حمایت از بی‌اطلاعی‌اش می‌توانست وجود داشته باشد، پیشاپیش سرقت شده و دزدیدن تعمودی آزادی انسان، یک جرم جبران‌ناشدنی است که نباید واقع شود.» (Jonas, 1974, p. 162)

۵) تهدید احتمالی بنیان خانواده، نسب و روابط خویشاوندی

یکی از مواردی که مخالفان شبیه‌سازی به آن استناد می‌نمایند اختلال ناشی از این پدیده در خانواده به عنوان واحد بنیادی در هر جامعه است (NBAC Cloning Report, 1999, p.70). به اعتقاد اینان، ساده‌ترین و ابتدایی‌ترین زیان ناشی از شبیه‌سازی انسان سست شدن مفهوم خانواده است. چرا که با شبیه‌سازی، انسان‌هایی به دنیا می‌آیند که برای ایجادشان نیازی به آمیزش جنسی به صورت طبیعی نیست و اگر ما نسبت به معنای طبیعی رفتارهای جنسی بشر بی‌تفاوت باشیم، دیگر نمی‌توانیم از مقوله‌ای به نام ازدواج و خانواده که از یک زوج واقعی تشکیل شده باشد، نه از دو هم‌جنس، دفاع کنیم (ولسون، ۱۳۸۲). این در حالی است که خانواده کوچک‌ترین واحد یک جامعه است و همواره یک رابطه پویا میان جامعه و خانواده برقرار است. بنابراین تمامی عواملی که واحد خانواده و روابط آن را تحت تاثیر خود قرار دهد منجر به پیامدهایی در جامعه خواهند شد (Dinc, 2003 p.246).

علاوه بر این از منظر مخالفان، حتی با فرض موردی که خانواده‌ای به صورت طبیعی وجود دارد و آمیزش جنسی نیز صورت گرفته لیکن به هر دلیل باردار شدن زوجین امکان‌پذیر نیست، شبیه‌سازی موجب آشفتگی روابط خانوادگی می‌شود. چرا که به عنوان نمونه یک موضوع مهم، چگونگی در نظر گرفتن نقش دهنده تخمک است که نه باردار می‌شود و نه هسته DNA را فراهم می‌کند. آیا تلاش او در فراهم کردن تخمک برای دادن نقش خویشاوندی به او کافی است؟ اگر صرف این تلاش، وی را واجد صلاحیت خویشاوندی نمی‌نماید، آیا مشارکت سیتوپلاسم و DNA میتوکندریایی وی در این فرآیند به او یک وضعیت بیولوژیک و ژنتیکی می‌دهد که شایسته رفتاری مشابه سایر سهامداران بیولوژیکی در تولد کودک باشد؟ آیا میزان رابطه اهداکننده تخمک کمتر از آن چیزی است که برای شخص فراهم کننده هسته DNA در نظر گرفته می‌شود؟ تمام اینها پرسش‌هایی است که تا پیش از این هیچ‌گاه مطرح نبوده است و در حال حاضر پاسخ روشن و آشکاری برای آنها وجود ندارد. برای بررسی دقیقتر روابط خویشاوندی حاصل از شبیه‌سازی حالات متفاوت آن را به صورت جداگانه از نظر می‌گذرانیم.

۵-۱) شبیه‌سازی یکی از کودکان موجود

مشکل در هم ریختگی روابط خویشاوندی در تمام اشکال شبیه‌سازی به یک اندازه نیست. به نظر می‌رسد کمترین میزان مشکل در همین نوع از شبیه‌سازی خواهد بود. یعنی در موردی که

زوج‌ها از DNA کودک موجودشان و تخمک فاقد هسته مادر همان کودک برای داشتن فرزند دیگری استفاده می‌کنند. در این صورت زوج آشکارا والدین ژنتیک آن کودک خواهند بود. اما اگر همسر تخمک مورد نیاز را فراهم نکند، در حالی که منبع عمده DNA هم نیست، باردار خواهد شد. در چنین صورتی مسئله نقش منبع تخمک مطرح خواهد بود. آیا منبع تخمک، مادر کودک حاصل می‌شود یا شخصی که وی را باردار کرده است؟^۱ علاوه بر این رابطه میان کودک حاصل و خواهر یا برادر بزرگتر با ژنوم مشابه هم حائز اهمیت خواهد بود. هر چند که به نظر می‌رسد این موضوع چندان روابط خانوادگی را مغشوش نخواهد کرد اما مشکلاتی نظیر فردیت، استقلال، و غیره همچنان باقی خواهند بود.

۵-۲) شبیه‌سازی شخص ثالث غیر مرتبط

یکی از پیچیده‌ترین روابط خویشاوندی در صورت تولید کودکی با استفاده از سه فرد متفاوت به وجود خواهد آمد: ۱- DNA شخص ثالث غیر مرتبط ۲- تخمک زنی غیر از همسر ۳- استفاده از همسر نابارور به عنوان حامل رویان حاصل از ترکیب DNA و تخمک. در حقیقت در مواردی که همسر قادر به تولید تخمک نیست اما می‌تواند متحمل بارداری شود ممکن است زوج‌ها ترجیح بدهند که از DNA شخصی ثالثی به عنوان منبع کلون استفاده نمایند که در این صورت فرآیند اهدای تخمک هم، باید در زن دیگری برای فراهم کردن تخمک‌های مورد نیاز آغاز شود. اما نتیجه حاصل از این فرآیند متعلق به چه کسی خواهد بود؟ زنی که اهداکننده تخمک بوده است؟ زنی که جنین را تا زمان تولد حمل کرده است؟ شخصی که DNA وی برای شبیه‌سازی مورد استفاده قرار گرفته است؟ (Gumham, 2005, p.210)

نکته جالب توجه رابطه والدین ژنتیکی منبع DNA با کودک حاصل است چرا که آنها بدون انجام هیچ فعالیتی فرزند ژنتیک جدیدی خواهند داشت که در حقیقت دوقلوی مشابه مؤخر متولد شده فرزندشان محسوب می‌شود. آیا والدین کودک حاصل، والدین منبع DNA خواهند بود یا زوجی که او را پرورش می‌دهند؟

عده‌ای این وضعیت را با اهدای رویان توسط زوج‌های بارور به زوج‌های نابارور مقایسه کرده‌اند. این افراد معتقدند همان طور که در اهدای رویان والدین ژنتیک فاقد هرگونه حقی نسبت به فرزند ژنتیکی حاصل که در رحم زن دیگری پرورش می‌یابد هستند و در حقیقت زوج دریافت‌کننده رویان، والدین کودک حاصل تلقی می‌شوند، در شبیه‌سازی هم والدین منبع

۱. برخی در مقام حل این معضل معتقدند که در این خصوص «مادر» می‌تواند به عنوان شخصی تعریف گردد که کودک را به دنیا آورده، صرف نظر از ساختار ژنتیکی کودک.

DNA فاقد هرگونه حقی نسبت به کودک حاصل خواهند بود و در واقع زوجی که پرورش کودک را برعهده دارند والدین او به حساب می‌آیند (Robertson, 1998, p.1425). اما باید توجه داشت که عاملی، موجب وجه تمایز میان اهدای رویان و شبیه‌سازی DNA شخص ثالث غیرمرتبط می‌شود؛ این عامل عبارتست از رضایت. به عبارت دیگر در اهدای رویان والدین ژنتیک به امکان وجود فرزند ژنتیک خود در خانواده‌ای دیگر رضایت می‌دهند اما آیا در شبیه‌سازی شخص ثالث، رضایت والدین او گرفته می‌شود؟

۳-۵) شبیه‌سازی یکی از همسران

۱-۳-۵) شبیه‌سازی DNA شوهر

از آن جایی که ۲۰ درصد نازایی زوج‌ها به جهت عوامل مردانه است و بین ۳۰ هزار تا ۴۰ هزار کودک سالانه از طریق استفاده از اسپرم اهدایی متولد می‌شوند، ممکن است زوج‌ها ترجیح بدهند که کودکشان را از طرق ترکیب تخمک همسر و DNA شوهر به وجود بیاورند تا در عین وجود مشکل ناباروری، فرزندی داشته باشند که به لحاظ ژنتیک به هر دو آنها مرتبط باشد. اما نتیجه استفاده از DNA یکی از والدین پرورش دهنده برای تولید کودک، آشفتگی در روابط خویشاوندی خواهد بود. چرا که در این صورت والد اجتماعی، به لحاظ ژنتیک هم تای کودک محسوب می‌شود یا در واقع، دوقلوی مشابه بزرگتر است

(Fukuyama, at: <http://www.Sais-jhn.edu/Faculty/Fukuyama/Post Human/Blurb.Htm>).

لذا روابط معمولی سنتی میان والد و کودک تغییر خواهد کرد. علاوه بر ایجاد روابط خویشاوندی غیرمعمول، والد پرورش دهنده ممکن است فراموش نماید که این کودک شخصی است با حقوق مربوط به خودش و او را صرفاً یک مدل مؤخر بر خودش تلقی کرده و بر این اساس به عنوان مثال آنچه که آرزوی انجام آن را در سنین پایین‌تر داشته برای کودک برنامه‌ریزی نماید. این امر می‌تواند نقض برخی از حقوق کودک از جمله آزادی، استقلال و فردیت را در پی داشته باشد. شایان ذکر است که شبیه‌سازی خود و پرورش کودک حاصل، بر روابط خویشاوندی میان والدین منبع کلون و کودک هم تأثیر گذار می‌باشد. در حقیقت تصمیم برای شبیه‌سازی و پرورش خود به این معنا است که والدین یک فرد، صاحب فرزند ژنتیک جدید، بدون هیچ‌گونه تلاش و یا حتی تصمیمی از جانب خودشان شوند. لذا والدین منبع کلون در عین آن که والدین ژنتیک کودک حاصل محسوب می‌شوند در موقعیت پدربزرگ و مادربزرگ اجتماعی وی هم قرار خواهند گرفت و این مطلب در حالی است که امکان دارد آن‌ها رضایتی برای داشتن فرزند ژنتیک دیگری نداشته باشند (Robertson, 1998, p.1427).

۵-۳-۲) شبیه‌سازی DNA زن

در صورتی که برای تولید کودک از DNA زن استفاده شود و وی قادر به تولید تخمک نباشد مجدداً حضور زن دیگر برای اهدای تخمک ضرورت می‌یابد. در این صورت علاوه بر تغییر روابط معمول میان مادر و فرزند به مادر و دوقلو مشابه‌اش، مسئله نقش اهداء کننده تخمک هم مطرح خواهد بود.

۵-۴) شبیه‌سازی یکی از والدین زوجها

یکی از موقعیت‌های پیچیده و مشکل‌زا در شبیه‌سازی، استفاده زوجها از DNA یکی از والدینشان برای تولید رویانی است که همسر آن را باردار شود و زن و شوهر او را پرورش دهند. در چنین موردی زوجها کودکی را پرورش خواهند داد که تکرار ژنتیک پدر یا مادر زن و یا پدر یا مادر شوهر است. پیچیدگی چنین حالتی ناشی از این است که کودک حاصل از شبیه‌سازی، والد ژنتیک شخصی خواهد بود که در حال حاضر به عنوان والد پرورش دهنده او به وی خدمت می‌کند (Robertson, 1998, p.1428). لذا مشکل حتی فراتر از آن چیزی است که در شبیه‌سازی «خود» بروز می‌کند و ممکن است منجر به در هم ریختگی فیزیولوژیک و اجتماعی برای تمامی طرف‌ها شود. از آن جایی که این موقعیت بسیار پیچیده و جدید است، بدون تجربه آن نمی‌توان تصور کرد که دقیقاً چه مشکلاتی در چنین وضعیتی ممکن است بروز نماید.

۶) فقدان امنیت تکنیکی و فیزیکی

گذشته از استدلال‌هایی که تاکنون از دید مخالفان شبیه‌سازی انسان نقل شد، باید به این نکته مهم نیز اشاره کنیم که این شیوه از تولیدمثل فاقد کارآمدی لازم و ضروری به لحاظ تکنیکی و پزشکی است. همان‌طور که دکتر ویلموت به عنوان پزشکی که قادر به شبیه‌سازی نخستین پستاندار از طریق شبیه‌سازی شد، در کنگره ایالات متحده عنوان کرد که احتمال عدم موفقیت شبیه‌سازی انسان بسیار بالا است. چرا که در شبیه‌سازی «دالی» ۲۷۷ مرتبه رویان با انتقال سلول غیرجنسی تشکیل شد و تنها ۲۹ جنین در رحم جاگذاری گردید و سپس تنها یک گوسفند با موفقیت به دنیا آمد (Byrne and Gurdon, 2002, p.154). لذا چنین به نظر می‌رسد که احتمال موفقیت ایجاد رویان با استفاده از شیوه انتقال سلول غیرجنسی به تخمک بدون هسته بین یک درصد و حداکثر سه درصد است. علاوه بر پایین بودن شانس موفقیت، به اعتقاد متخصصان علم پزشکی ناهنجاری‌های رشدی مختلف از قبیل «سندروم نوزاد بزرگ» که در

شبیه‌سازی پستانداران گوناگون دیده شده است به احتمال قوی در مورد شبیه‌سازی انسان هم واقع خواهد شد (Dinc, 2003, p.240-241).

این درحالی است که همواره مسائل مربوط به امنیت فیزیکی به همراه هر رویداد درمانی و دارویی جدید مطرح می‌شود. علاوه بر این در چنین مواردی، خطر گمراه نمودن بیماران در خصوص پیش بینی میزان موفقیت شیوه جدید توسط پزشکان، به جهت وجود منافعشان در توسعه و استفاده از رویه‌های ابداعی، موضوعیت پیدا می‌کند. لذا باید مقرراتی جهت تضمین امنیت و کارآمدی شیوه‌های جدید تنظیم شده و صرف درخواست بیماران برای به کارگیری شیوه‌هایی که هنوز شانس موفقیت آن‌ها ناشناخته است، نمی‌تواند مجوزی برای اقدام و توسل به این شیوه‌ها محسوب شود (Robertson, 1998, p.1411). این امر به دلیل احتمال وجود آثار و تبعات منفی ناشی از این شیوه‌ها است.

به عنوان نتیجه

پس از شرح و بیان دیدگاه‌های مدافعان و مخالفان شبیه‌سازی مولد انسان، به نظر می‌آید که حتی اگر شبیه‌سازی انسان در چارچوب آزادی تولیدمثل یک امر نامطلوب شناخته نشود، زیان‌ها و پیامدهای سوء اجتماعی و اخلاقی ناشی از این پدیده از جمله مواردی که مخالفان به آن استناد کرده‌اند - از قبیل نقض کرامت و استقلال انسان یا برهم خوردن نظام خانواده و ایجاد اختلال در وضعیت قرابت و نسب کلون‌ها - تا آن حد گسترده، فراگیر و جبران ناشدنی خواهند بود که مانع از امکان مجاز شمردن چنین عملی می‌شود. به عبارت دیگر، اگر سود و زیان حاصل از این پدیده را در دو کفه یک ترازو قرار دهیم، به نظر می‌آید کفه زیان سنگینی خواهد نمود. این گونه است که جهت‌گیری عمومی و تصمیم‌گیری کلان در این خصوص گاهی به سمت ممنوعیت کامل سوق پیدا می‌کند؛ و نه فقط همانندسازی برای تولید انسان که حتی استفاده از آن برای امور درمانی هم با مخالفت جدی روبرو می‌شود. به اعتقاد برخی، ممنوعیت شبیه‌سازی مولد و مجاز شمردن شبیه‌سازی درمانی، بازی با آتش است. چرا که شبیه‌سازی درمانی را مقدمه شبیه‌سازی مولد می‌دانند و معتقدند مجاز شمردن شبیه‌سازی درمانی در نهایت منجر به شبیه‌سازی مولد خواهد شد. بررسی این مدعا و چگونگی طرح مسئله نسبت به شبیه‌سازی در مجامع بین‌المللی و مصوبات آنها را در گفتاری دیگر پی خواهیم گرفت. آنچه اینجا می‌توان گفت به طور خلاصه این است:

۱- شبیه‌سازی براساس هدف استفاده از آن به دو گونه مولد و درمانی تقسیم می‌شود. در شبیه‌سازی مولد، هدف به وجود آوردن یک انسان براساس ترکیب ژنتیک از پیش مشخص شده می‌باشد. در واقع با این شیوه والدین بدون آمیزش جنسی، فرزندان را به وجود می‌آورند و

می‌توانند صفات و خصوصیات فرزندان خود را از پیش تعیین کنند. با به کارگیری این فناوری به نظر می‌رسد فرزندان به جای آن که موهبتی الهی تلقی گردند، بیشتر محصولات از پیش سفارش داده شده‌ای هستند که ویژگی‌های آنان از قبل معلوم است. در حقیقت به کمک این روش می‌توان یک نوع انسان را هم چون محصولات یک کارخانه به تولید انبوه رساند. علاوه بر این، بسیاری از افراد به فرزندان حاصل از شبیه‌سازی به چشم یک ذخیره خوب و قابل اعتماد برای اهدای عضو می‌نگرند. بدین ترتیب، با فرض اینکه زمانی اینگونه شبیه‌سازی به لحاظ علمی میسر شود، با معضلاتی از این دست، بعید به نظر می‌رسد که فرزندان حاصل از آن در آینده بتوانند جایگاه حقوقی مناسب هم چون دیگر «اعضاء جامعه انسانی» کسب نمایند.

۲- در مورد شبیه‌سازی درمانی، وضع به مراتب پیچیده‌تر به نظر می‌رسد. به کمک این فناوری که منجر به تولد یک انسان نمی‌شود، می‌توان به نسوجی دست یافت که با بدن گیرنده سازگاری داشته باشد و برای درمان بیماری‌هایی نظیر پارکینسون و یا سکنه قلبی به عنوان درمان قطعی به کار رود. میلیون‌ها بیمار در سرتاسر دنیا از نتایج چنین نوآوری علمی سود خواهند برد. اما باید توجه داشت که انجام این تحقیقات مستلزم تولید و تخریب «رویان» در حال رشد است. آیا می‌توان برای مقاصد خود، هر چند انسان‌دوستانه، اقدام به ایجاد و تخریب یک رویان انسان نمود؟ باید به یاد داشت که چنین رویانی نقطه آغازین زندگی تمام ابناء بشر بوده است.

۳- ارزیابی سود و زیان این فناوری، به هر حال، کاری بس پیچیده و دشوار است. چرا که از یک سو نویدبخش منفعت احتمالی عظیم برای بشریت است و از سوی دیگر شباهت اخلاقی و نگرانی‌های متعدد را در جامعه بشری به دنبال دارد. آن چه که بر پیچیدگی ماجرا می‌افزاید این است؛ اولاً نمی‌توان مطمئن بود که دانشمندان بتوانند به آن چه که ادعا می‌کنند دست یابند. ثانیاً ممکن است راه‌های جایگزین دیگر وجود داشته باشد که بتواند همین فواید را بدون مشکلات پیش گفته به همراه بیاورد. چنین جایگزین‌هایی تاکنون در حد پیشنهادهایی همچون استفاده از سلول‌های بنیادی افراد بالغ مطرح گشته‌اند.

منابع و مأخذ

الف- فارسی

۱. السان، مصطفی، (۱۳۸۶)، «مبانی منع شبیه‌سازی»، مجله پژوهش‌های حقوقی، شماره ۱۱.
۲. زمانی، سیدقاسم، (۱۳۸۵)، «شبیه‌سازی درمانی و حق بر سلامتی در قلمرو حقوق بین‌الملل بشر»، مجله پژوهش حقوق و سیاست، سال هشتم، شماره ۱۹.
۳. موحّد، محمد علی، (۱۳۸۱)، در هوای حق و عدالت، تهران، نشر کارنامه.
۴. موسی‌زاده، محمد، (۱۳۸۶)، «کرامت بشری و شبیه‌سازی انسان»، مجله پژوهش‌های حقوقی، شماره ۱۱.

۵. هلسمس، سیلو، (۱۳۸۵)، «مقوله چهارم حقوق بشر»، ترجمه: اسماعیل زاده، حسن و رضانی قوام آبادی، محمدحسین، مجله حقوقی عمومی، شماره دوم.
۶. ولسون، جیمز و لئون، ارکاس، (۱۳۸۲)، «شبهه-سازی و گسست اخلاقی» ماهنامه سیاحت غرب، سال اول، شماره هشتم، قابل دسترسی در: <http://www.bashgah.net/page.1942.html>.
۷. پایگاه اطلاع رسانی اخبار پزشکی ایران و جهان به آدرس: <http://www.pezeshk.us>

ب- خارجی

ب.۱. کتاب

- 1- Guilhaudis, Jean-François, **Relations Internationales contemporaines**, Editions du Juris-Classeur, Paris, 2002.
- 2- Jonas, Hans, (1974), **Biological Engineering-A preview, in Philosophical Essays: From Ancient Creed to Technological Man**.
- 3- Kolnia, A, (1995), **Dignity**, In Dignity Character and Self- Respect, New York, Rout ledge.
- 4- Pence, Gregory, (1998), **who's Afraid of Human Cloning?** , Rowman and Littlefield Publishers, London.
- 5- Robertson, John, (1994), **Children of Choice: Freedom and the New Reproductive Technologies**, Princeton University Press.
- 6- Vallaud, Dominique & de Ayala, Roseylyne, **Chronologie universelle**, Librairie Générale Française, Paris, 2005.

ب.۲. مقاله‌ها

- 1- Andrews, L. (1998), "Is There a Right to Clone? Constitutional Challenges to Bans on Human Cloning", **Harvard J.L and Technology**, vol11.
- 2- Byrne, James, and Gurdon, John, (2002), "Commentary on Human Cloning", **Differentiation Journal**, Blackwell Wissenschafts-Verlag, No.69.
- 3- Beyleveld, D. And Browns word, R. (1998), "Human Dignity, Human Rights and Human Genetics", **Modern Law Review**, No.61.
- 4- Bell, D, (1999), "Human Cloning and International Human Rights Law", **Sydney Law Review**, No.21.
- 5- Dwyer, James, (1994), "Parents Religion and Children's Welfare: Debunking the Doctrine of Parents Rights", **CAL. L. REV**, No.82.
- 6- Eriksson, M, (1993), "Family Planning as a Human Rights Issue", **Parenthood in Modern Society: Legal and social Issues for the Twenty-First Century**.
- 7- Gurmham, David. "The Mysteries of Human Dignity and the Brave New World of Human Cloning", **Social and legal Studies**, vol.14, 2005. At: <http://www.sagepub.com>
- 8- Harris, Sonia, (2004), "An Identity Crisis in the International Law of Human Rights? The Challenge of Reproductive Cloning", **International Journal of Children's Rights**, No.10.
- 9- Harris, Sonia, (2004), "The Challenge of Reproductive Cloning", **International Journal of Children's Rights**, No.11.
- 10- Holm, S, (1998), "A life in the Shadow: One Reason Why We should not Clone Humans", **Cambridge Quarterly Healthcare Ethics**, No.7.
- 11- Kolovos Yuri, (2000), "The Right's of the Child", **Human Rights Concept and Standard**.
- 12- Langlois, Anne, " Le principe de dignité et son origine dans la Déclaration universelle des droits de l'homme", in: **La dignité de la personne humaine- Recherche sur un processus de juridiction**, sous la direction de Charlotte Girard et Stéphanie Hennette-Vauchez, PUF, Paris, 2005.
- 13- Malby, S, (2002) "Human Dignity and Human Reproductive Cloning", **Health and Human Rights**.
- 14- Packer, C., (1998), "Defining and Delineating the Right to Reproductive Choice", **Nordic Journal of International Law**, No.67.

- 15- Robertson, John, (1998), "Liberty, Identity and Human Cloning", **Texas Law Review**, Vol.76.
- 16- Robertson, John, (1996), "Genetic Selection of Offspring Characteristics", **Boston University Law Review**, Vol.16.
- 17- The President Council on Bioethics, (2002), "Human Cloning and Human Dignity: An Ethical Inquiry", **Law and Medicine**, volume 18, Number.2.
- 18- Ullrich, D. concurring Vision: (2003), "Human Dignity in the Canadian Charter of Rights and Freedoms and the Basic Law of the Federal Republic of Germany", **Global Jurist Frontiers**, vol.3.
- 19- zohar, Noam, (1991), "Prospects For "Genetic Therapy"-Can A Person Benefit Being Altered?" , **Bioethics**, No.5.

ب.۳. منابع اینترنتی

- 1- CA Krauthammer, (2002), "Secular Argument against Research Cloning", **New Republic**, 29 April. At: <http://www.tnr.com/doc.html>
- 2- Dinc, Leyla. (2003), "Ethical Issues Regarding Human Cloning: A Nursing Perspective", **Nursing Ethics**, vol.10. At: <http://nej.sagepub.com>
- 3- "Every Thing you need to know about Cloning", at: <http://www.Keepmedia.com/pubs/Businessweek/2002>.
- 4- Fukuyama, Francis, "Our Post human Future". At: <http://www.Sais-jhn.edu/Faculty/Fukuyama/Posthuman/Blurb.Htm>.
- 5- "Human Cloning Foundation, the Benefits of Human Cloning". At: <http://www.HumanCloning.Org/Benefits.htm>.
- 6- "Human Cloning: your Questions Answered", 2000, at: <http://www.care.org.uk/resource>.
- 7- "Haman cloning, the Religious and Ethical Debate", at: <http://www.CS.Virginia.Edu/jones/Tmp352/Projects98/group1/Ethic.Html>.
- 8- "Human Reproductive and Therapeutic Cloning", at: <http://www.religioustolerance.Org/cloning.html>
- 9- "National Bioethics Advisory Commission, Legal and policy Consideration", at: <http://www.bioethics.georgetown.edu>
- 10- Nawash, Ayman, "Cloning: Friend or Foe". At: <http://www.Islam-online.net>.

ب.۴. معاهدات و اسناد

- 1- Council of Europe: Additional Protocol to the Convention for the Protection of Human Rights and Dignity of the Human Being With Regard to the Application of Biology and Medicine, on the Prohibition of Cloning Human Beings. Paris 1998.
- 2- Convention on the Elimination of All Forms of Discrimination against Women (CEDAW), 1997.
- 3- The European Convention on Human Rights.
- 4- Fourth World Conference on Women, Beijing, 1994
- 5- International Conference on Population and Development, Cairo, 1994.
- 6- Protection of the Family, the Right to Marriage and Equality of the Spouses, 27 /07 /90. CCPR General Comment 19.
- 7- UNESCO: Universal Declaration on the Human Genome and Human Rights, Paris 1997.
- 8- U. N. Doc. A/47/38, Equality in Marriage and Family Relations, CEDAW General Recommendation.
- 9- U. N. Doc A/54/38/ Rev. 1, Chapter I, Woman and Health: 2/2/99. CEDAW General Recommendation.
- 10- World Health Organization: "Ethical, Scientific and Social Implication Cloning in Human Health", Geneva. 1998.

از این نویسنده تاکنون مقالات زیر در همین مجله منتشر شده است:

«قانون ۹۹-۱۹۹۳ بلژیک، رأی ۱۴ فوریه ۲۰۰۲ دیوان بین‌المللی دادگستری، صلاحیت کیفری جهانی در بوته آزمون»، سال ۱۳۸۱، شماره ۵۸؛ «جایگاه قاعده منع شکنجه در حقوق بین‌الملل معاصر»، سال ۱۳۸۴، شماره ۷۰.
«پویایی حقوق بین‌الملل و پایایی شکنجه»، سال ۱۳۸۷، شماره ۱.